

پرسه در گالری

درباره نمایشگاه بُعد چهارم

علی فرامرزی و جهان‌های موازی

رضا آشفته



● هنرمندان را به‌لحاظ شیوه و خط‌مشی دنبال‌کردن فعالیت هنری می‌توان به چند گروه تقسیم کرد؛ گروهی به‌گونه‌ای ناخودآگاه یا بعضاً خودآگاه دارای خط‌وربطی مشخص و شیوه کاری‌ای هستند که پس از طی مدتی می‌توان پراختی آثارشان را از آفریده‌های دیگر همکارانشان تشخیص داد و بازشناخت که گفته می‌شود فلان هنرمند خط کاری خود را یافته است. تشخیص اینکه این پاپرجاماندن بر یک سبک‌وسباق کاری از چه چیزی تعیین می‌کند و موتور محرک آن را در هنرمند کدام‌یک از انگیزه‌های درونی یا بیرونی به پیش می‌برد، کاری حساس و ظریف است که گاه خود هنرمند نیز ممکن است از درک و شناخت دقیق انگیزه‌های آن ناتوان باشد. در بعضی از شخصیت‌های خلاق، ماندن بر یک خط‌مشی کاری و جست‌وجو در محدوده‌ای مشخص؛ چه به‌لحاظ تکنیکی و چه موضوعی از ثبات شخصیت و کنش‌اش در عمقی سرچشمه می‌گیرد که در حقیقت او را از جست‌وجو به‌گونه‌ای افقی به کاویدن عمودی وامی‌دارد و پس از مدت‌مانی شناخت آثار این‌بخش از هنرمندان از دیگر همکارانشان به‌خوبی و راحتی امکان‌پذیر است. در بین این‌بخش از هنرمندان عده‌ای را هم می‌توان یافت که بازار و خریداران آثارشان هستند که آنان را وامی‌دارند که در محدوده خود‌ساخته یا آنان‌ساخته بمانند و تحت عنوان سبک و شیوه کاری به فعالیت بپردازند. مشکل این‌گونه اصرارورزیدن برای اینکه هنرمند بر یک سیاق بماند در شرایط متلاطم تاریخی وقتی است که نیازهای پراخته‌اش از دیگر ابعاد شخصیتی و شرایط زیستی او برای ارضای خود نوع دیگری از بیان را هم از نظر موضوع و هم به‌لحاظ تکنیک طلب می‌کند. در همه انواع هنری سینما، ادبیات، نقاشی و… از هنرمندان نوع اول و آثار خلق‌شده بر این منوال می‌توان یافت.

گروهی دیگر این محدودیت‌ها را برنمی‌تابند و جهان هنری خود را به‌گونه‌ای به پیش می‌برند که بتوانند بنابر خواسته‌ها و نیازهای احساسی یا اجتماعی خود ابزارها و روش‌های هنری مناسب را در اختیار داشته باشند و از آن بهره‌جویند. در حقیقت نزد این تپ از هنرمندان، نیاز به خلق‌کردن، نوع رویکردشان به ابزار و شیوه کاری را تعیین می‌کند. از زمان‌های دور پیوسته حضور هنرمندان چندساختی در طول تاریخ هنر امری پذیرفته و قابل‌تامل بوده است.

علی فرامرزی بیشتر به گروه دوم نزدیک است. با این تفاوت که چند زائر نقاشی را هم‌زمان به پیش می‌برد و بنابر نیازهای احساسی- فکری‌اش از هر یک از آنها یک دوره کاری می‌سازد. فردیک کارور، منتقد، در یادداشت‌ش تحت عنوان؛ زیستن در جهان ناهمگون، درخصوص آثار فرامرزی گفته است: «افتخاری بود که توانستم کارهای او را از نزدیک ببینم. نکته بسیار جالب‌توجه این بود که او چگونه این طرز فکرها و دیدگاه‌های متفاوت را یک‌به‌یک و هم‌زمان تجربه و از آنها عبور کرده یا بازآفریده است. او آلمان‌های بصری را به‌درستی می‌شناسد و این شناخت او را قادر می‌کند حس‌ی را که از اطرافش دارد یا با آن زندگی می‌کند در کارهایش بازتولید کند. کارهای فرامرزی در درجه اول انعکاس دل‌بستگی او به طبیعت است، درعین‌حال این آثار با زندگی شهری؛ مثلاً با کلان‌شهر تهران نیز درآمیخته است. تصاویر فیکوراتیو او، نشانگر ترکیب‌بندی منحصربه‌فرد خود اوست و جداکردن آنها از دیگر آلمان‌های نقاشی‌هایش امکان‌پذیر نیست. با توجه به توانایی زیست او در این جهان ناهمگون، انتظار می‌رود شاهد دوره‌ای طولانی و موفق از آفرینشگری او باشیم». چیزی که در این دوره کارهایی که در فرهنگسرای نیاوران به نمایش درمی‌آورد و به نام بُعد چهارم اسم‌گذاری کرده، جدید و بدیع است. بردن نقاشی از سطح دودویی به حجم است. محدودیت چارچوب‌های کادر را هم که پیوسته نقاشان با آن مواجه‌اند تحمل نکرده و حجم را به‌عنوان سطحی سه‌بعدی مورد استفاده قرار داده است و آن گونه که خود می‌گوید: به جهانی چهاربُعدی تبدیل کرده است. او مجموعه‌ای از تابلوها و حجم نقاشی‌هایش را در معرض دید تماشاگر قرار داده است. فرامرزی معتقد است متر و معیاری که سطح و حجم (در حیطه تجسمی) با آن سنجیده می‌شود، به جهان هندسهٔ تعلق دارد و حوزهٔ فرهنگ و هنر باید ابزار سنجش خود را بیابد و مورد استفاده قرار دهد.

نمایشگاه علی فرامرزی از ۸ تا ۱۷ دی‌ماه در گالری شماره یک فرهنگسرای نیاوران به نمایش درمی‌آید.

بهناز شیربانی: اتفاقی دور از انتظار و غیرمعمولی نیست که برخی فیلم‌ها از کارگردانان سرشناس سینمای ایران در آستانه برگزاری جشنواره فیلم فجر به دلیل نهایین‌نشدن نسخه‌ای که قابل ارائه به جشنواره باشد، از این رویداد هنری جا بمانند یا به‌نوعی ترجیح دهند فیلم در زمان دیگری جدا از هیاهوی جشنواره دیده شود. در روزهای گذشته مثل هر سال نقل‌قول‌ها و گزارش‌هایی از برخی کارگردانان سرشناس سینمای ایران رسانه‌ای شد که به احتمال زیاد فیلم‌های آنها را در جشنواره پیش‌رو نخواهیم دید. کانال سینما اعلام کرد که امسال فیلم‌های مانی حقیقی و محمدرضا هنرمند در جشنواره حضور نخواهند داشت و از سویی دیگر فیلم «خودسر» به کارگردانی کمال تبریزی و «سال دوم دانشکده من» ساخته رسول صدراعلمی در سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر حضور ندارند. همچنین بهمن فرمان‌آرا و ابوالحسن داوودی نیز ترجیح دادند تا فیلم‌هایشان در جشنواره نمایش داده نشود و البته به این عناوین باید به نام‌های محسن امیریوسفی، حمید نعمت‌الله و پرویز شیخ‌طادی نیز اشاره کرد که هنوز هم حضور فیلم‌هایشان در جشنواره فجر با اماوگ‌هایی همراه است و ظاهرا تصمیم‌گیری درباره حضور یا عدم حضور فیلم‌های آنها در جشنواره فیلم فجر برعهده دبیر جشنواره خواهد بود.

مسعود ردایی، تهیه‌کننده جدیدترین ساخته رسول صدراعلمی، درباره عدم حضور فیلم «سال دوم دانشکده من» در جشنواره فجر به طولانی‌شدن انجام مراحل فنی فیلم اشاره کرد و به ایسنا گفت: «این فیلم از لحاظ کیفی نیاز به تامل و دوراندیشی بیشتر داشت تا به امید خدا، فیلمی کیفی و قابل‌قبول برای عامه و مجامع هنری ارائه دهیم. هرچند اهمیت جشنواره، بنده، کارگردان و سایر عوامل فنی را بر آن داشت که تلاش خودمان را

عسل عباسیان: مهین صدی از اعضای گروه بین‌المللی تئاتر مهر، به سرپرستی امیررضا کوهستانی، این‌بار در دومین تجربه کارگردانی تئاتر خود، متن «نفر دوم» را به نویسندگی و بازی خودش در تالار ناظرزاده تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه برده است و با ستاره اسکندری و الهام کردا نیز هم‌بازی است. با او که در سابقه کاری‌اش روزنامه‌نگاری به چشم می‌خورد، درباره ترتیبات اجرای او با سابقه ژورنالیستی‌اش و همین‌طور درباره اجرای «نفر دوم» گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

پیش از هرچیز به عنوان یکی از اعضای گروه تئاتر مهر، چقدر تجربه خودتان در نوشتن و کارگردانی را متأثر از سال‌ها همکاری با امیررضا کوهستانی می‌دانید؟

به نظرم بیشتر از آنکه در نوشتن و کارگردانی تحت تأثیر امیررضا باشم، در شیوه هدایت و مدیریت گروه از او یاد گرفته‌ام. او همواره مشاور خیلی خوبی است و در شرایط سخت همیشه پیشنهادهای خوبی دارد. از این جهت به او مدیون هستم. اما فکر می‌کنم دنباله‌روی از یک کارگردان یا نویسنده موفق آدم را هنرمند نمی‌کند. دنیای هرکس متعلق به خودش است و اشتباه است اگر کسی جهان‌بینی و فرم هنری‌ای را که مثلا امیررضا به آن رسیده، تقلید کند یا حتی از آن تأثیر بگیرد. معتقدم هرکس باید راه خودش را پیدا کند و با شهامت و سماجت زیاد جهان خودش را بسازد. شاید به همین دلیل است که شیوه نوشتن و کارکردن ما مد نفر با هم فرق‌های اساسی دارد.

مثلا چه فرقی می‌کند؟

امیررضا بیشتر کارگردان است و من بیشتر نویسنده. من به کلمات بیشتر اهمیت می‌دهم و او به تصاویر. من همیشه پیش از هر چیز به آنچه قرار است گفته شود فکر می‌کنم و او به اینکه چگونه روی صحنه بیاید. ضمن آنکه اساسا شیوه گسترش ایده و پرداخت‌مان با هم فرق می‌کند. اینجا فرق‌های اساسی‌مان است. الباقی را باید دیگران قضاوت کنند.

گرایش شما به تئاتر مستند چه اندازه در شیوه روایت نمایش «نفر دوم» تأثیر داشته است؟

شاید هیچ تأثیری نداشته. فکر می‌کنم نمایش «نفر دوم» بیشتر شبیه یک شعر بلند است. حتی همین که در یک شب ۲۲ صفحه نوشتم و شب بعد ۱۵ صفحه هم بیش از هر چیزی شبیه کاری است که شاعران می‌کنند. این شکل حتی در کارگردانی هم آمده. به‌رحال من کار هنری را با شعر شروع کردم و خیلی خوشحالم که بالاخره سر از یک جایی درآورد. این نمایش برخلاف نوشته‌های دیگرم اصلا مهندسی نشده و تقریبا همه‌اش از ناخودآگاهم آمده. این نوع نوشتن و زیبایی‌شناسی هم خیلی زنانه است و ربطی به زیبایی‌شناسی مردانه که می‌خواهد هر چیزی را در یک قالب بگنجاند و تعریف کند ندارد. در واقع اینجا قرارداده‌ا و چارچوب‌هایی است که به ما تحمیل شده و دلبلی ندارد از آنها پیروی کنیم.

دوست دارم بدانم از توضیحاتی که در آغاز به عنوان نویسنده و کارگردان اثر می‌دهید، چه قصدی داشتید و اساسا لزوم آن توضیحات آغازین برای مخاطب چیست؟

اول از همه بهتر است بدانیم هر آنچه در نمایش گفته می‌شود جزئی از نمایش است. نمایش با ورود ما بازیگران به صحنه آغاز می‌شود. این چیزی است

هنر

نگاهی به حواشی جشنواره سی‌وششم فیلم فجر

باید به رأی هیئت انتخاب احترام گذاشت



عکس: سینت جشنواره

سهیم هستیم و بعد جشنواره فجر این موضوع را تکزبیب می‌کند، در نوع خود نکته مهمی قلمداد می‌شود و این سؤال به وجود می‌آید که چه شکلی در این میان راست می‌گویند و چه اتفاقی در حال وقوع است.»

هیئت انتخاب باید در آramش فیلم‌ها را انتخاب کند
سیروس الوند، از کارگردانان پیش‌کسوت سینمای ایران، درباره حواشی اخیر جشنواره فیلم فجر به «شرق» گفت: «هرچند که حواشی قبل از برگزاری جشنواره فیلم فجر همیشه وجود داشته و اجتناب‌ناپذیر است، اما باید توجه داشت که در این شرایط هیئت انتخاب باید به‌دور از هرگونه فشار و در کمال آرامش، آزادی و استقلال رای فیلم‌ها را ببینند و باید به نظرات آنها احترام گذاشت.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «قطعا اگر امسال به‌جای جمعی که فیلم‌ها را انتخاب می‌کنند، افراد دیگری حضور داشتند، نتیجه دیگری حاصل می‌شد و باید به نگاه افرادی که

در جشنواره سی‌وششم فیلم‌ها را انتخاب می‌کنند احترام گذاشت، چراکه چهره‌های موجهی در این جمع حضور دارند و سابقه حضور در هیئت انتخاب را پیش از این داشته‌اند. تصور می‌کنم خروجی هیئت انتخاب، اتفاق خوبی خواهد شد. باید تا حد امکان از حواشی پیرهیزم و امیدوارم جشنواره خوبی پیش‌رو داشته باشیم.»

باید به قواعد احترام گذاشت

حسن برزیده نیز در گفت‌وگو با «شرق» گفت: «هیئت انتخاب وظایفی دارد که باید انجام دهد. وقتی شخصی می‌پذیرد که در این‌بخش حضور داشته باشد، به‌نوعی قبول می‌کند یا دبیر جشنواره همکاری کند و به‌نوعی قاعده بازی را می‌پذیرد. مقصودم از قاعده بازی این است که برخی سال‌ها هیئت انتخاب و داوری فیلمی را پذیرفته و جایزه‌ای برای آن در نظر گرفته است، اما به‌ناگاه در زمان اهدای جوایز همه‌چیز تغییر می‌کند. گاهی هم می‌شود قاعده‌ای را تعریف کرد به این شکل که مبنای حضور در بخش هیئت انتخاب و داوری منوط به احترام به رأی آدم‌هایی که در آن جمع حضور دارند باشد.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «اما گاهی شکل سومی هم وجود دارد؛ به این صورت که در آن جمع آدم‌هایی از نهاده‌ا و طیف‌های مختلف حضور دارند، گاهی در چنین جمعی با آدم‌های معقول و منطقی برخورد می‌کنید که می‌شود با آنها به‌جمع‌بندی رسید و می‌شود با استدلال به جمع‌بندی نهایی رسید، اما گاهی هم ممکن است عکس این قضیه وجود داشته باشد. او ادامه داد: «به‌رحال تمامی شرایطی که به آنها اشاره کردم، معمولا در دوره‌های مختلف جشنواره وجود داشته و در نهایت می‌توانم با درنظرگرفتن تمامی این شرایط بگویم که قطعا نمی‌توان توقع زیادی داشت.»

عکس: سینت جشنواره

● **روایت تاریخ یک خانواده، به‌صورت لایبرتی، ظاهرا خطی، ولی درواقع غیرخطی، حضور سوزنه شما شد؟**

در نوشتن این نمایش‌نامه خیلی با خودم فکر کردم که چه نوع نمایشی می‌خواهم بسازم. تئاتر مثل سینما نیست که به هزار راه بتوانی بروی. در تئاتر باید از قبل دنیای خودت را در ذهن‌ت ساخته و قراردادهایت را گذاشته باشی. من می‌دانستم نمایشی که با بحران شروع شود و با حل بحران ختم شود، اصلا موردعلاقه من نیست. دلم می‌خواست چیزی می‌نوشم که شبیه فصلی از یک رمان باشد. می‌خواستم تا ابد ادامه پیدا کند. دلم نمی‌خواست تجربه نمایش‌نامه‌های مستند یا نیمه‌مستند را تکرار کنم. می‌خواستم یک نمایش جدید بنویسم و فکر می‌کنم هرکس حق این کار را دارد. نمایش «نفر دوم» پر از نماد و استعاره و تداعی است؛ نمایشی درباره به‌یادآوردن و فراموش‌کردن. کاراکترها دارند چیزهایی را به یاد می‌آورند. به همین دلیل طبیعی است که نمی‌تواند خطی باشد. مثلا گفت‌وگوهای الی با مرده‌ای زندگی‌اش را اصلا نمی‌توانیم بگویم در هر زمانی است. نمی‌توانیم دقیقا بگویم در حال به یادآوردن آنهاست یا واقعا در لحظه دارد اتفاق می‌افتد. در شکل صحنه و لباس هم این را رعایت کرده‌ام؛ پرده‌هایی که لایه‌لایه باز می‌شوند و تکه‌لباس‌هایی که به تن بازیگران می‌چسبند و از آنها جدا نمی‌شوند. از طرفی موقع نوشتن این نمایش نامم بیش از هر چیزی به یاد این جمله از بورخس بودم که می‌گفت «وقتی یک چیزی را به یاد می‌آوریم درواقع نه خود آن، بلکه آخرین‌باری که آن را به یاد آورده‌ایم را به یاد می‌آوریم». دلم می‌خواست این کنگی و عدم‌وضوح را در به‌یادآوردن نشان دهم.

● **تجربه سال‌ها روزنامه‌نگاری شما تا چه اندازه بر سیاق تئاترانی که سعی بر ارائه روایت‌های مستند یا مستندسازی همه وقایع دارد، تأثیرگذار بوده؟**
من بیشتر از آنکه خبرنگار باشم و مطلب تولید کرده باشم، دبیر سرویس تئاتر بوده‌ام و علاقه اصلی‌ام گفت‌وگو است. شاید از این نظر به نمایشم کمک کرده باشد. هرگز نقد ننوشته‌ام، چون از نگاه یک‌سویه خوشم نمی‌آید و تردیدهایی بیشتر از آن است که بتوانم بگویم کاری خوب است یا بد یا خوب یا منتقل شده یا نه. اصلا نمی‌دانم روزنامه‌نگاری‌ام روی نوشتنم تأثیر گذاشته یا نوشتنم روی روزنامه‌نگاری. به‌هرحال ذهن من بیش از هر چیزی به سرهم‌بندی و کولاژ علاقه دارد. همیشه هرچه به ذهنم می‌آید را خیلی سریع می‌نویسم و به‌جده صحنه‌ها را می‌چینم کنار هم و بارهاوبارها ادیت می‌کنم؛ بیشتر شبیه تدوین فیلم. علاقه زیادی دارم به ربط‌دادن چیزهای بی‌ربط و از آنها چیز جدیدی ساختن. برخوردم با نوشتن هم همین است. با آنچه می‌نویسم مثل متریال برخورد می‌کنم؛ مثل کاغذ، پارچه یا مقوا. در کارهای مستند خیلی این کار را کرده‌ام. در روزنامه‌نگاری زمانی که گفت‌وگو می‌کنم با آدم‌ها هم همین برخورد را دارم. می‌گویم خب اینجا را این آدم گفته، حالا بگذار بچینیم ببینیم چی ازش درمی‌آید و ببینیم چی کم داریم و اینجا. دلم می‌خواهد همیشه از چیزی یک چیز دیگر بسازم. این تبدیل‌کردن برایم اهمیت داشته؛ بیشتر تغییربش‌دادن آنچه که دارم و نه تولید یک اثر جدی از صفر.

زیر آسمان فیروزه‌ای

برگزیدگان مسابقه عکس نمایش «دودلفک ونصفی» معرفی شدند

● برگزیدگان مسابقه عکاسی نمایش «دو دلفک و نصفی» به کارگردانی جلال تهرانی در مراسمی در تالار اصلی تئاتر شهر معرفی شدند. به گزارش روابط عمومی مجموعه تئاتر شهر، برگزیدگان مسابقه عکاسی نمایش «دو دلفک و نصفی» به نویسندگی و کارگردانی جلال تهرانی جمعه‌شب هشتم دی ماه در مراسمی با حضور تعدادی از هنرمندان معرفی شدند.

محمد فرنود، نماینده هیئت داوران مسابقه عکاسی «دو دلفک و نصفی» در این مراسم ضمن ارائه گزارشی از روند انتخاب آثار برگزیده بیان کرد: بعد از ارسال آثار شرکت‌کنندگان در مسابقه عکس نمایش «دو دلفک و نصفی» متوجه این موضوع شدیم که فاصله کیفی تعدادی از آثار فارغ از ارزش‌های کیفی که داشت، خیلی نزدیک به هم بودند، به همین دلیل تصمیم گرفتیم علاوه بر انتخاب تعدادی از آثار به عنوان نامزد دریافت جایزه و البته نمایش آنها در نمایشگاه مجازی، سه اثر را به صورت مشترک به عنوان آثار برگزیده بخش نهایی انتخاب کرده و جوایز را به نوعی میان آنها تقسیم کنیم.

وی افزود: متأسفانه در برخی از آثار ارسال‌ی که مورد ارزیابی هیئت داوران قرار گرفت، تعدادی از آثار بود که برخی از شرکت‌کنندگان روی آنها دست برده بودند و این اتفاق خوبی نبود. به همین دلیل ما از همان ابتدا این آثار را حذف کردیم اما امیدوارم چنین موضوعی دیگر در چنین مسابقاتی تکرار نشود. بر اساس این گزارش بعد از صحبت‌های فرنود نوبت به معرفی برگزیدگان مسابقه عکس نمایش «دو دلفک و نصفی» در بخش‌های مختلف رسید. در بخش نامزدهای دریافت جایزه و نمایشگاه مجازی فوزان پارسا، ریحانه جعفری‌را، مرتضی زمانی، ماریا قهرمانی‌زاده و سینا صداقتی، در بخش قدردانی بهنام توفیقی و مریم اصلائی و در بخش برگزیدگان تهران صادری، افرا شهباززاده و مریم غمگسار به عنوان برگزیدگان مسابقه عکس «دو دلفک و نصفی» معرفی شدند. ایران درودی، نادر شایخی، عزت‌الله مهرآوران، فرهاد مهندس‌پور، اتابک نادری، ابراهیم حسینی و مجید گیاهیجی از جمله هنرمندانی بودند که در این مراسم حضور داشتند، این در حالی است که مسعود فروتن اجرای این مراسم را بر عهده داشت.

تئاترهای زمستانی

● **گروه هنر:** این روزهای سرد زمستانی در تالارهای تهران نمایش‌های بسیاری در حال اجراست و همچنین در این روزها شاهد اجرای لاسارو، اپرای عروسکی سعدی، رقص کاغذپاره‌ها و... خواهیم بود.



نمایش «لاسارو» با ترجمه، طراحی و کارگردانی مسعود رایگان، از روز جمعه، ششت دی جاری در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه رفته است. این نمایش که توسط مجبور شدلر آلمانی نگاشته و دراماتوزی شده، برگرفته از رمان «لازاریلوی ژرمنی»، یکی از زمان‌های قرون‌وسطای اسپانیاست. لازاریلو اولین رمان پیکارس قرن ۱۴ اسپانیاست. دنیای پیکارس، دنیای زیرزمینی، مردمان بی‌ارزش و مطرود کلیسا و دربار در دوران گذر اروپا از قرون وسطاست. پیکارو در این نمایش، چهاردهم تا هفدهم به پسرپچه‌ها یا نوجوانانی گفته می‌شد که از خدمت یک ارباب به خدمت ارباب دیگری می‌رفتند، از ماجربای به ماجرای دیگر، مضحک و مصیبت‌بار، در جهانی بی‌رحم که اگر هوش و ذکاوت در کار نباشد، از بخت و طالع خوش، کاری ساخته نیست. در خلاصه داستان این نمایش آمده: لاسارو کودکی است که توسط مادرش به مرد گوری فروخته می‌شود، این اتفاق شروع فرازونشیب‌های زندگی لاسارو است. در نمایش «لاسارو» با کارگردانی مسعود رایگان، بازیگرانی مانند؛ کامیاز امینی، بانپال شومون، فروغ قبادی،کیلی، استیفا، قرن خلیل‌زاده، محسن عجبی، یوسف محوی، نیما مظاهری، مهسا اصغری و آرزو تاج‌نیا ایفای نقش می‌کنند.

اپرای عروسکی سعدی

بعد از اجرای موفق اپرای مولوی، اولین اثر در رپرتوار آثار اپرایی گروه تئاتر عروسکی آران، اپرای عروسکی «سعدی» به نویسندگی، طراحی و کارگردانی بهروز غریب‌پور، از ۱۰ دی‌ماه در تالار فردوسی روی صحنه می‌رود. اپرای عروسکی سعدی با صدای محمد معتمدی، اسحاق انور و علی زندوکلی و ۱۲ خواننده برجسته ایرانی روی صحنه می‌رود. این نمایش تا ۲۲ دی‌ماه تحت عنوان رپرتوار اپرای عروسکی روی صحنه خواهد بود.